

# خاستگاه نظریه‌های زبانی؛ شرق یا غرب؟

پروانه خسروی زاده\*

---

## چکیده

به نظر می‌رسد آنچه امروزه تحت عنوان نظریه‌های مطرح در علم زبانشناسی از پذیرشی عام و جهانی برخوردار شده است، شباهت‌های بسیاری با نخستین دیدگاه‌های فلسفی بشر دارد که قدمت آنان به هزاره قبل از میلاد مسیح می‌رسد. تأثیر فلسفه یونان باستان بر آرای زبانشناسی قرن بیستم بر هیچ‌کس پوشیده نیست اما آنچه هدف اصلی این نوشته است بررسی دیدگاه‌های فلسفی دیگری است که بطور همزمان در تمدن‌های کهن موجود بوده است.

---

کلمات کلیدی: زبان، گفتار، قوه نطق، لوگوس، حکمت، اندیشه، اسپتامینو، مانثره

## ۱. مقدمه

در کنکاشی برای دستیابی به خاستگاه نظریه‌های زبانی، ناگزیر باید نگاهی به تاریخ باستان افکند. نقطه آغاز تفکر منظم و برپایه خرد و اندیشه، بر هیچ‌کس آشکار نیست اما لااقل می‌توان با صراحت گفت که شناخت انسان از تمدن‌های بسیار کهن به هزاره قبل از میلاد مسیح می‌رسد.

---

\* دانشجوی دوره دکترای زبانشناسی، دانشگاه تهران.

## ۲. گونه‌های متفاوت تفکر در تمدن‌های کهن

چین، هند، ایران، یونان و مصر از قدیمی‌ترین تمدن‌هایی هستند که آثار تفکر خلاق را به یادگار گذاشته‌اند. در دوره‌ای خاص از دوران باستان که به قرون پنجم و ششم قبل از میلاد برمی‌گردد، سیستم‌های فلسفی برجسته‌ای در شرق و غرب ایجاد شدند که هنوز دانش کنونی از آنها متأثر است. ماهیت آن دسته از تفکراتی که در تمدن بابل و نینوا گسترش یافته بود بر بشر امروزی آشکار نیست اما آئین دائر در چین، آئین هندی و بودائیسیم در سرزمینی که تحت نام کلی هند از آن یاد می‌شود، آئین زرتشتی در تمامی سرزمین ایران و مناطق شرقی و شمالی آن و تفکر افلاطونی در یونان تقریباً همزمان شکل گرفته‌اند.

### ۱-۲. تفکر چینی

در این میان مبنای تفکر چینی متفاوت است. اندیشه چینی اساساً ماهیتی بشردوستانه دارد و از مسائل مافوق طبیعی به دور است. نقطه آغازین اندیشه چینی پرورش نفس است و غایت آن میل به انسانیت. از اینروست که انسانیت و حقانیت دو واژه کلی در دیدگاه کنفوسیوسی تلقی می‌شود. زندگی اجتماعی و حفظ حقوق فردی نهایت مرزهای اینگونه تفکر را تشکیل می‌دهند.

سه دلیل عمده، مانع از تأثیرگذاری اندیشه چینی بر گونه‌های دیگر تفکر در عصر باستان شد.

اول: میل به نگرش مادی و پرهیز از پرداختن به مسائل مافوق طبیعی.

دوم: سقوط قدرت مرکزی، درگیری‌های داخلی و حکومت ملوک‌الطوایفی

سوم: دوری مسافت و وجود دیوار عظیم چین

هر چند که آیین بودایی در حدود قرن چهارم میلادی در چین استقرار می‌یابد و این امر به کمک ترجمه سوتره‌های بودایی از زبان سانسکریت به زبان چینی صورت می‌پذیرد، چنین تأثیری یک سویه است و فرض تأثیرگذاری اندیشه چینی بر اندیشه‌های نظام‌یافته در سرزمین‌های دیگر دوران باستان مردود تلقی می‌گردد. اما مسئله تأثیرگذاری و تأثیرپذیری سه‌گونه دیگر تفکر بر یکدیگر زمینه بحث بسیاری را برمی‌انگیزد.

## ۲-۲. تفکر ایرانی، هندی و یونانی

سرزمین ایران را باید کانون تبادل فرهنگی آن روزگار دانست. کورش در سال ۶۰۰ قبل از میلاد یونیا را فتح کرد و همدان امروز یا اکباتانای ایران باستان محل برخورد افکار فلسفی شرق و غرب و انتقال و نشر آن افکار به گوشه و کنار جهان شد. تفکر غربی همواره بر اصول منطق استوار بوده و تفکر شرقی گرایش به اشراق داشته است. تلاقی این دوگونه اندیشه هر چند مکمل یکدیگر بوده‌اند، هر یک در جهت هدف غایی خود پیش رفته‌اند.

آنچه اکنون باید جستجو کرد، این است که آیا ریشه‌های تفکر زرتشتی زمینه‌هایی در آرای متفکران آتی ایجاد کرده است؟ یا آن بخش از فلسفه کلام در آیین بودائیسیم و ودایی و غیرودایی الهام‌بخش نظریه پردازان گردید و یا اصول منطقی و علم کلام یونانی بر آرای آنان تأثیر گذاشت. شواهد نشان می‌دهد که برخی از اندیشه‌های ایرانیان باستان در رابطه با حقایق جاودان هستی به فلسفه قدیم یونان نفوذ کرده است. از سوی دیگر سهم تمدن هند در این رابطه نیز نباید ناچیز انگاشته شود. فیلسوفان یونانی از روزگار طالس با شرق تماس پیدا کردند و به گفته نومینیوس<sup>۱</sup>؛ «فیثاغورث و افلاطون حکمت قدیم مغان ایرانی و نیز حکمت برهمنان هندی را که به ایران آمده بودند به یونان معرفی کرده‌اند». (کریشنان ۱۳۶۷)

## ۳. مباحث مشترک فلسفی میان سه تفکر هندی، ایرانی و یونانی

برای یافتن پاسخی مناسب باید به مباحث مشترک فلسفی میان این سه تفکر پرداخت. در هر سه‌گونه تفکر یاد شده، «کلمه»<sup>۲</sup> از تقدسی خاص و مفهومی پیچیده برخوردار است. در آیین زرتشت، اهورامزدا به معنی خدای حکمت یا خدای حکیم است و اسپنتامینو یا روح مقدس مظهر اراده و یا اندیشه اهورامزداست. در کتاب حکمت سلیمان آمده است که حکمت با کلمه یکی است.

1. Numenius

2. Logos

حکمت ذاتی خدایی است و به صورت ظاهراً مستقل از خدا در جوار خدا به سر می‌برد. لوگوس یا کلمه همچون عامل فعال خداوند در جهان در کار است.

اوریزن، موسس فلسفه نوافلاطونی، در بخش چهارم کتاب «اصول» خود چنین می‌نویسد: «خدا لوگوس یا پسر را آفرید که نسبت او با پدر همانند نسبتی است که میان اهورامزدا و اسپنتامینو موجود است».

فیلون یهودی نیز می‌گوید: «نخستین فرزند خدا کلمه (لوگوس) است. کلمه بعنوان جانشین خدا میان خدا و جهان عمل می‌کند». لوگوس در نوشته‌های فیلون ابزاری غیرمادی است که خداوند خلاقیت خود را از طریق آن اعمال می‌کند. از نظر فیلون، لوگوس که جلال و نور خداست، در عین حال ظلمت و سایه خدا نیز هست. چرا که مخلوق تنها می‌تواند نیمی از خالق خود را آشکار کند و نیمه دیگر همواره پوشیده می‌ماند. (کریشانان ۱۳۶۷)

در فلسفه «شیوه» و «شاکتی» از مکاتب غیرودایی تفکر هند نیز «شیده - برهمن» یا «مها - ناده» به معنای روح یا ذات کلمه است که به صورت خفته در جسم انسان جای دارد. در تفکر غیرودایی هند، تثلیث مقدس نقش مهمی را ایفا می‌کند. جوهر الهی (شیوا) به شکلی تفکیک‌ناپذیر با نوعی قدرت الهی (شکتی) که ابزاری غیرمادی است، همراه است. جوهر و قدرت الهی که هر دو دارای ماهیت آگاهی یا دانش خالص هستند به همراه «بیندو» که بعنوان ماده عمل می‌کند و تحول می‌پذیرد، سه اصل آیین «شیوه» و تثلیث مقدس را تشکیل می‌دهند. آنچه گذشت، در چند جمله زیر خلاصه می‌گردد:

۱. اسپنتامینو در تفکر زرتشتی، مظهر اراده یا اندیشه اهورامزداست.
۲. حکمت یا اندیشه، ذاتی خدایی است و به صورتی ظاهراً مستقل از خدا موجود است.
۳. حکمت همان لوگوس است که بعنوان ابزاری غیرمادی همچون عامل فعال خداوند در جهان وجود دارد.
۴. نسبت خداوند با لوگوس مانند نسبت اهورامزدا با اسپنتامینوست.

۵. شکتی بخشی از تثلیث مقدس و نوعی قدرت الهی است که دارای ماهیت آگاهی یا دانش خالص است.

بدین ترتیب اسپنتامینو در تفکر زرتشتی، لوگوس در تفکر یونانی و شکتی در تفکر غیرودایی هند، یکی است و آن ذاتی خدایی و ابزاری غیرمادی است که دارای ماهیت آگاهی و دانش خالص است و بعنوان عاملی فعال در جهان وجود دارد و این همه در مفهوم آنچه افلاطون، دکارت و چامسکی «منشاء و ماهیت دانش» می‌نامند متجلی می‌شود. ذکر این نکته ضروری است، آنگاه که افلاطون در رساله «ته اتیوس» از لوگوس نام می‌برد، علاوه بر مفهوم کلمه، معانی دیگری چون طبیعت، تصور، استدلال، عبارت، بند، جمله و گزاره نیز از آن استنباط می‌شود<sup>۱</sup> که مختصات معنایی تمامی آنان را می‌توان در واژه «اندیشه» یافت.

یادآوری این نکته ضروری است که در فلسفه شیوه و شاکتی نیز گاه از «روح» به معنای اندیشه یاد شده است.

در تفکر زرتشتی، سرودهای گاتا وسیله‌ای است برای برانگیختن اندیشه. گاتا پیام خود را «مانثر» و سراینده پیام را «مانثرن» به معنی برانگیزنده و بیدار کننده ذهن جهانیان می‌خواند. ریشه لنوی «مانثر»، «من» به معنی اندیشیدن است که با پسوند «-ثر» ترکیب شده چاره‌ای برای برانگیختن اندیشه تلقی می‌گردد. (جعفری ۱۳۵۹) و باز از یاد نبریم که زبان اوستایی خواهر زبان مانسکریت است و میان دستور زبان و وزن و سبک گاتاهای مقدس زرتشتی و دستور زبان و وزن و سبک سرودهای ودایی شباهت بسیار وجود دارد.

در فلسفه شیوه و شکتی، نفس و نفس بگانه‌اند. «آتمن» مفهومی معادل روح، دم، نفس، نفس دارد و آفرینش در درون آن صورت می‌گیرد. آنچه از آفرینش به بیرون افکنده می‌شود نیز چیزی جز خود آن نیست. از اینرو در سیر مادیت‌پذیری، آواهای زبان به کمک نفس و نفس متجلی می‌شوند. بدین معنی که «شکتی» که قدرت الهی است و «شیوا» که جوهر دانش است بر «بیندو» که اصل

1. Dinneen (1967)

جاوید و همیشگی است تأثیر می‌گذارد و آواهای زبانی به کمک نفس و نفس تولید می‌شوند. فردینان دو سوسور تمایزی سه‌گانه میان زبان، گفتار و قوه نطق قائل می‌گردد. مفهوم قوه نطق سوسور بسیار شبیه به عملکرد شیوا و شکتی در تفکر هندی است. آنچه مقصود سوسور از «Langue» یا زبان است با بیندو که اصل جاوید و همیشگی است قابل قیاس است. گفتار در تفکر سوسوری همان فرایند تولید آواهای زبانی است که به کمک اندام‌های زیستی و دم و بازدم صورت می‌گیرد و این نیز با فرایند تبدیل بیندو به آواهای زبانی به کمک آتمن تفاوتی ندارد. از سوی دیگر چامسکی معتقد است کودک به هنگام تولد به ماده خام ذاتی یا دانش زبانی ذاتی - زیستی مجهز است. این موهبت خدادادی (معادل شکتی در تفکر غیرودایی هند) هنگامی که در معرض داده‌های زبانی خاص واقع می‌شود دانش زبانی آن زبان خاص را به دست می‌دهد (شیوا یا جوهر دانش در فلسفه شیوه و شاکتی) و آنگاه که به تولید در می‌آید کنش زبانی آن زبان خاص را رقم می‌زند. آنچه از دیدگاه چامسکی صورت واجی یک کنش زبانی تلقی می‌گردد همان بیندو یا اصل مادی جاوید و همیشگی است. بیندو خود به تثلیثی دیگر تبدیل می‌شود که «ناده»، «بینده» و «ورنه» تجلی سه‌گانه آن هستند.

بررسی‌های زبان‌شناختی، نخستین رگه‌های تمایز میان واج و آوا را در دیدگاه رواقیون می‌یابد. این در حالی است که دو واژه «واچیه» و «واچکه» در فلسفه شاکتی و شیوه به صراحت به مفاهیم واج و آوا دلالت می‌کنند.

نکته دیگر آنکه در نظام نشانه سوسوری آنچه تحت عنوان دال و مدلول شناخته شده است از دال و مدلول در نظام فکری افلاطون متمایز است. مدلول سوسوری تصویری معنایی و انتزاعی است که در داخل نظام زبان قرار دارد و از مصداق آن در جهان خارج جداست. در حالیکه مدلول افلاطونی همان مصداق جهان خارج است. در زبان سانسکریت تمایز این دو مفهوم با حذف یا افزایش دو واژه «e» و «æ» در هجای آغازین واژه‌ها بیان می‌گردد.

در نظام صرفی این زبان، دو واژه یاد شده در ابتدای واژه‌ها هم قابل حذف و هم مبدل هستند و

این هر دو یکی است. چنانکه در واژه‌هایی چون اسپنتامینو و سپنتامینو یا آناده و ناده دیده می‌شود، حذف وا که آغازین امکان‌پذیر است اما مبدل بودن این دو وا که بدین مفهوم است که غالباً مفهومی انتزاعی را به سطح ملموس تبدیل می‌کنند. نکته آخر در رابطه با بررسی دیدگاه‌های شرقی و غربی، به نظریه «مثل» افلاطون اختصاص دارد. افلاطون بر پایه دیدگاه فلسفی خود پدیده‌ها را تصاویری از نمونه‌های اصلی می‌پندارد. وی معتقد است برخلاف پدیده‌های مادی که فناپذیرند، نمونه‌های اصلی یا مثال‌ها همواره پایدارند. از نظر افلاطون مثال، نوعی وجود غیرحسی است که در عالمی برتر از عالم محسوس قرار دارد. چنین دیدگاهی شباهت بسیار به تفکر دینی زرتشت دارد. در تفکر زرتشتی اشیاء گوناگون عالم مادی سایه‌هایی از حقایق آسمانی و همه موجودات زمینی تصویری از موجودات کاملی هستند که از زمین و زمینیان بدورند. آسمان و زمین و حیوان و انسان و هر آنچه به قلمرو خیر تعلق دارد، دارای حقیقتی کامل و جاویدان است که فروشی یا فروهر خوانده می‌شود. تنها اهریمن که روح شر است و شیاطین از فروشی محرومند.

فروشی‌ها فرشته نیستند بلکه مفاهیم مجرد مشخصی هستند که قدرت خدا را متجلی می‌کنند. مفهوم فروشی به مفهوم پیتی در وداها و مثال در فلسفه افلاطون و خدایان مانس نزد رومیان شباهت بسیار دارد (کریشنان ۱۳۶۷)

#### ۴. پایان سخن

شواهدی که در این نوشته ارائه شد سهم تفکر شرقی را در نظریه‌های مطرح در علم زبان‌شناسی امروز بازگو می‌کند. بی‌تردید دستاورد گذشتگان، راهگشای آیندگان است. هر چند علم فراتر از مرزهای جغرافیایی عمل می‌کند و به تمامی جهانیان تعلق دارد، اما آشنایی دقیق و صحیح با سیر تاریخی هر علم، زمینه را برای پژوهش‌های آتی آماده می‌سازد. چندان دور از ذهن نیست که پاسخ مسائل لاینحل زبانی را بتوان در گذشته‌های دور و در بطن اندیشه‌هایی یافت که به دلیل کم‌توجهی یا ناآشنایی، بی‌اهمیت تلقی شده‌اند.

## منابع

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۴)، مقاله «اندیشه گراینده به اشراق و اندیشه گراینده به خرد»، فصلنامه هستی، چاپخانه بهمن، تهران
  ۲. آموزگار، ژاله (۱۳۴۸)، مقاله «ادبیات زرتشتی به زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران
  ۳. تفضلی، احمد (۱۳۷۵)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران
  ۴. جعفری، علی اکبر (۱۳۵۹)، ستوت یسن، گات‌های آشو زرتشت و سرودهای وابسته به آن، انتشارات فروهر، چاپ اول، تهران
  ۵. خسروی زاده، پروانه (۱۳۷۸)، نگاهی گذرا به تاریخچه معنی‌شناسی، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
  ۶. دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۸)، زیانشناسی نظری؛ پیدایش و تکوین دستورزایی، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران
  ۷. رازی، عبدالله (۱۳۷۱)، تاریخ کامل ایران، انتشارات اقبال، چاپ نهم، تهران
  ۸. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۶۸)، تاریخ ده هزار ساله ایران، جلد اول؛ از پیدایش آریاها تا انقراض مادها، انتشارات اقبال، چاپ دوم، تهران
  ۹. کریشنان، رادا سروپالی و دیگران (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه شرق و غرب، جلد اول؛ تاریخ فلسفه شرق، ترجمه خسرو جهاننداری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران
  ۱۰. کریشنان، رادا سروپالی و دیگران (۱۳۶۲)، تاریخ فلسفه شرق و غرب، جلد دوم؛ تاریخ فلسفه غرب، ترجمه جواد یوسفیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران
  ۱۱. موله، م. (۱۳۵۶)، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
  ۱۲. نیر نوری، حمید (۱۳۴۵)، سهم ایران در تمدن جهان انتشارات شرکت ملی نفت ایران، چاپ اول، تهران
13. Dinneen, S. J, F. P (1967), An Introduction to General Linguistics, Georgetown University Press.